

مردی که سرنوشت ایران را تغییر داد

۱۳ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۴۰

ناصرالدین شاه قاجار در دیدار با آدولف کرمیو در پاریس در سخنان مشهوری درباره او گفت: "من فراموش نمی‌کنم که این یک یهودی، حاج ابراهیم، بود که کمک کرد قاجارها سلطنت را بدست آورند. ابراهیم خان کلانتر پس از مرگ آقا محمدخان، در به سلطنت رساندن فتحعلی شاه قاجار نقش اول را ایفا کرد و توانست سمت صدراعظمی و لقب اعتمادالدوله را برای خود حفظ کند

حاج ابراهیم خان کلانتر کسی بود که با خیانت به لطفعلی خان زند لشگر وی را از هم پاشید و دروازه های شیراز را بر وی بست و باعث کشته شدن آخرین شاهزاده زند شد و با اینکار جنوب ایران به راحتی به تصرف قاجارها درآمد. ناصرالدین شاه قاجار در دیدار با آدولف کرمیو در پاریس در سخنان مشهوری درباره او گفت: "من فراموش نمی‌کنم که این یک یهودی، حاج ابراهیم، بود که کمک کرد قاجارها سلطنت را بدست آورند. ابراهیم خان کلانتر پس از مرگ آقا محمدخان، در به سلطنت رساندن فتحعلی شاه قاجار نقش اول را ایفا کرد و توانست سمت صدراعظمی و لقب اعتمادالدوله را برای خود حفظ کند. در دوره ی سلطنت آقا محمد خان قاجار، خانهای قجر در ولایات ایران حکم می راندند که اکثراً قوآنلو و بعضاً دولو بودند. ولی در اوایل سلطنت فتحعلیشاه، حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله رفته رفته فرزندان و برادران و برادرزادگان و سایر خویشان را یکی پس از دیگری به حکومت گماشت تا جایکه در سراسر ایران منطقه ای نبود که از حیطة نفوذ فامیل هاشمی برکنار مانده باشد. سرانجام نفوذ روزافزون خانواده هاشمیه، سبب تحریک حسادت نزدیکان و اطرافیان شاه شد و ایشان شاه را از قدرت او هراس افکندند.



حاج ابراهیم خان کلانتر

فضل الله منشی در تاریخ ذوالقرنین می نویسد: «... بر حسب امر اعلی، چنین تدبیر کردند که در روزی معین، حاجی و متعلقانش هر جا هستند اسیر بندو گرفتار کمند خاقان ظفرمند گردند و کسانی معتمد به اطراف ولایات فرستادند و در روز غره شهر ذیحجه ۱۲۱۵ حاجی و کسانش را زنجیر سیاست بر پا نهادند و اوضاعی که سالیان دراز چیده بودند، در یک روز برچیده شد.» چنین بود که روز اول ذی الحجه ۱۲۱۵ قمری (۲۶ فروردین ۱۱۸۰ ه. ش.) او را دستگیر کردند و به طالقان فرستادند. حدود یک ماه بعد به دستور شاه قاجار، چشم او را میل کشیدند و زبانش را بریدند و به قتلش رساندند. در قتل عام خانواده هاشمیه، از کلیه کسان و فرزندان ابراهیم خان کلانتر، تنها دو فرزند خردسالش باقی ماندند و این دو طفل که دو قلو بودند، یکی علیرضا نام داشت که

همانموقع مقطوع النسل، و بعدها معتمد حرم فتحعلی شاه شد و دیگری علی اکبر نامیده می شد که چون به مرض آبله دچار بود و مردنی به نظر می رسید به امان خدا رهایش کردند. تقدیر چنین بود که آن طفل مردنی زنده بماند و چراغ خانواده قوام و هاشمی را که می رفت به خاموشی گراید روشن نگهدارد، و از سر نو نطفه یکی از بزرگترین فامیل‌های اشرافی ایران، به اهتمام او بسته شود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۵۳۷/تغییر-ایران-سرنوشت-مردی-۲۲۵۳۷>